

دهه‌های اخیر منتشر شده است، زیرا بین دقت در ضوابط ترجمه و انتقال دقیق معانی آیات و نیز زیبایی و سلیس بودن ترجمه جمع کرده است. گرچه نثر این ترجمه خالص است، جسته و گریخته، سجع و آهنگ از قلم مترجم نمودار شده است.

۶- آوای قرآن (ترجمه دو جزء آخر قرآن به صورت مسجع و موزون): از امتیازات این ترجمه که در سال ۱۳۷۲ توسط محمود صلواتی انجام گرفته دقت نسبی در صحت ترجمه و توجه مترجم به نکات ریز قرآن و میزان موفقیت مترجم در ایجاد سجع و وزن در بیشتر سوره‌های دو جزء آخر است.

فصل دوم: ترجمه‌های منظوم

۱- تفسیر منظوم صفیعلی شاه: این تفسیر که شاید تنها تفسیر منظوم کامل قرآن باشد، در نوع خود بی نظیر است. تعداد ابیات آن را اگر در هر صفحه به طور میانگین ۴۶ بیت محاسبه کنیم، حدود ۳۸۱۸۰ بیت می‌شود.

مفسر و سراینده این تفسیر میرزا حسن ملقب به صفیعلی شاه، حدود ۱/۵ قرن قبل می‌زیسته است. از ویژگیهای این تفسیر به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ترجمه آیات قرآن با نثر ساده و تحت‌اللفظی و نسبتاً دقیق نگاشته شده است.
- مفسر پس از ذکر چند آیه مربوط به هم و ترجمه منشور آنها، به ترجمه منظوم آیات به صورت آزاد پرداخته و در لابه‌لای ترجمه، توضیحات تفسیری و تاریخی و شأن نزول آیات را آورده است.

- بارزترین ویژگی این تفسیر اشتغال آن بر پند و اندرزهای اخلاقی برگرفته از آیات قرآنی و نیز تحلیل‌های فلسفی و حکمی آیات ربانی و نیز برداشتهای عرفانی و عرضه جذبات عاشقانه به بهانه آیات عبادی است.

- صفیعلی شاه به دلیل انتساب به تصوف و طریقت شاه نعمت‌الله ولی و گرایش شدید صوفیانه، اندیشه‌های صوفی‌گرایانه را نیز در موارد متعددی از تفسیر منظوم خویش ابراز کرده است.

۲- قلب قرآن یا تپشی منظوم: این کتاب که ترجمه تعدادی از سوره‌های قرآن است، تألیف دکتر جلال ربانی فر است. اولین و مهمترین سوره‌ای که در آن به صورت

منظوم ترجمه شده، سوره «یس» است و به همین مناسبت کتاب «قلب قرآن» نام گرفته است.

اشعار در وزن «مثنوی» سروده شده که جذابیت خاصی دارد و از صبغه مذهبی برخوردار است اما از نظر فن ترجمه نقایص فراوانی دارد.

۳- ترجمه منظوم کامل قرآن با ترجمه امید مجد: این ترجمه که اولین ترجمه منظوم کامل قرآن مجید به زبان فارسی است، توسط شاعر جوان معاصر امید مجد به نظم درآمده است. مترجم، این مجموعه را که حدود ۱۸۰۰۰ بیت است در طول ۳۰۰ روز سروده است.

مبنای علمی این ترجمه منظوم دو ترجمه فارسی از بهترین و متقنترین ترجمه‌های فارسی قرآن یعنی ترجمه فولادوند و خرمشاهی است.

وزن اشعار این ترجمه با وزن اشعار شاهنامه فردوسی منطبق است که برای ایرانیان وزنی مأنوس به شمار می‌رود. مترجم در برخی موارد توانسته است ایجاز را به حد اعلا برساند.

عنوان مقاله: مناظره در ادب فارسی

نویسنده: تورج مجیبی

مآخذ: مجله آموزش زبان و ادب فارسی (رشد)، س پانزدهم، ش ۵۶،

(زمستان ۷۹)، ص ۸۸ تا ۹۲

مناظره یکی از انواع ادبی است که دو نفر در باب دو موضوع از روی نظر و استدلال بحث کنند و هر یک محاسن موضوعی را که برگزیده و معایب موضوع مقابل را برشمارد. این نوع ادبی با آرایه بدیعی سؤال و جواب پیوند دارد. در مناظره گاهی علاوه بر اینکه به ایراد و استدلالهایی در جهت غلبه و برتری بر یکدیگر می‌پردازند، معمولاً به خودستایی و توصیف ویژگیهای خود نیز روی می‌آورند که به آن مفاخره می‌گویند که بخش جدانشدنی از مناظره است. از انواع مفاخره، رجزخوانی است که گفتارهای ویژه ادبیات حماسی را شامل می‌شود. معمولاً پهلوانان به هنگام روبه

رو شدن با هم‌آوردان خویش به خودستایی می‌پردازند.

«شخصیتهای مناظره»

شخصیتهای مناظره به عنوان عنصر اصلی، چهره‌پردازی می‌شوند و شخصیتی نمادین پیدا می‌کنند بویژه در حکایت و تمثیل، آنان را چنان بر می‌گزینند که علاوه بر مفهوم دوگانگی، بخوبی در آن خصلتی که برای آنان در نظر گرفته شده است ایفای نقش کنند. از سوی دیگر، شخصیت باید جنبه نمونه و تیپیک داشته باشد تا موضوع و محتوای مناظره در آن بخوبی نمود پیدا کند. مناظره انواع گوناگونی دارد؛ مانند مناظره بین اشخاص، مناظره بین اشیای بی جان، مناظره بین موضوعات و مفاهیم انتزاعی مانند مناظره عقل و عشق و دیگر مناظره بین اشخاص و حیوانات یا اشیای بی جان.

«قالب مناظره»

در شعر بیشتر با قالبهای قطعه، مثنوی، قصیده، غزل و رباعی روبه‌رو می‌شویم و در نثر با قالب حکایت، تمثیل و مقامه.

«موضوع مناظره»

مناظره‌ها از حیث موضوع دارای جنبه‌های متنوعی است؛ از آن جمله:

- ۱- مناظره‌هایی که جنبه علمی دارند.
- ۲- مناظره‌هایی با زمینه و موضوع فلسفی
- ۳- مناظره‌هایی با موضوعات متنوع عرفانی
- ۴- مضامین حکمی و اخلاقی که بیشترین موضوعاتی است که در مناظره به چشم می‌خورد.
- ۵- موضوعات دینی و مذهبی
- ۶- مناظره‌هایی با موضوعات انتقادی
- مناظره‌هایی که بیشتر توصیفی هستند.

«آرایه‌های ادبی در مناظره»

در بیشتر مناظره‌ها آنچه مورد توجه مناظره پرداز است، محتوا و مفهوم آن با انگیزه‌های تعلیم و تربیت و تشویق و ترغیب و... است. به همین سبب توجهی به

بهره‌گیری از صنایع لفظی و معنوی و صورخیال نشده است. در نتیجه گفتگوها بسیار ساده و روان و به دور از تکلف و در مختصات مربوط به آثار فنی است. در هر حال مناظره پردازان برخی از آرایه‌های ادبی را مانند تلمیح، سجع و توازن، آوردن امثال و حکم فارسی و عربی، بیان تمثیل و حکایت در بین مناظره برای تبیین و توضیح بیشتر نیز مدنظر داشته‌اند.

«پیشینه مناظره»

از مناظرات قدیمی می‌توان به درخت آسوریک اشاره کرد که مناظره‌ای مفصل بین درخت خرما و بز است و هرکدام نماد یک طبقه خاص اجتماعی است. این مناظره از یادگارهای پیش از اسلام است که به زبان فارسی میانه اشکانی سروده شده است. نخستین مناظره گوی شعر فارسی پس از اسلام، اسدی توسی شاعر قرن پنجم است که مبتکر فن مناظره در شعر فارسی دری است.

پروین اعتصامی بزرگترین مناظره گوی شعر فارسی دری است که در قالب قصیده، مثنوی، قطعه و مسقط مناظره‌های زیبایی را سروده است. ابداع او در مضمون و انتخاب طرفین مناظره از اشخاص و موجودات جاندار و بی‌جان یا موضوعات انتزاعی، ورود در عالم هر یک از دو طرف بحث و احساس حالات آنها، قدرت تجسم سخن گفتن به شیوه‌ای مناسب از زبان هر یک، اشارات نکته‌آموز و پرمغز به اقتضای حال و بسیاری از ظرایف دیگر از ویژگیهای مناظرات پروین محسوب می‌شود.

عنوان مقاله : تفاوت طنز و هزل و هجو و لطیفه

نویسنده : تیمور غلامی

مسأخذ : مجله آموزش زبان و ادبیات فارسی (رشد)، س پنزدهم، ش ۵۶،

(زمستان ۷۹)، ص ۷۴ تا ۷۸

هزل و لطیفه تعریف مشخصتری دارد و اختلاف کمتری بر سر فهم و درک آنها وجود دارد اما مشکل اصلی در دریافت طنز است، زیرا بارور است و دارای جنبه‌های

مختلف؛ ساختاری چند لایه دارد و در گذر ایام هر زمان به رنگی درآمده و از تنوع زیادی برخوردار است. طنز و هجو معمولاً حامل اندیشه‌های زمان خود هستند. اندیشه‌هایی که رنگ جامعه‌شناسانه و سیاسی و اجتماعی و فلسفی دارند. همیشه این معانی بلند و ظریف، تعیین کننده شکل و قالب اثر بوده‌اند اما در هجو یا طنز غیرهنرمندانه معمولاً شکل و فرم و ساختار اثر است که معنا را به دنبال خود می‌کشاند. بدین جهت است که معمولاً قالبی و ایستا هستند. برداشت دنیای امروز از طنز خیلی متنوع است، حداقل جای خنده را با نیش و کنایه بیشتر عوض کرده و خلاقیت و ابتکار و اندیشه ورزی مهمترین رکن آن شده است به طوری که طنز امروز از ایدئولوژی رایج زمان فراتر می‌رود و کاخی استوار از اندیشه‌های تازه را به وسیله معماری نوین به نمایش می‌گذارد و این تفاوتی است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

در زمینه شکل طنز امروز در ایران مشکلاتی به چشم می‌خورد که به ذکر چند مورد آن بسنده می‌شود:

۱- روزنامه زندگی

۲- بریدن از فرهنگ گذشته

۳- برونگرایی

۴- اعتراض سرسری

۵- عدم انسجام لفظی و معنوی

۶- سطحی نگری و ساده انگاری

اگر بنا باشد درباره لطیفه نیز ساده انگاری کنیم بسیاری از کتابهایی که مملو از لطیفه است بی ارزش جلوه می‌کند، از جمله گلستان و آثار عبید با وجود برداشتهای قالبی و سطحی به جایگاه اصلی خود دست نمی‌یابد؛ هر چند تمام ارزشهای آنها در همین لطایف ظریفشان نیست، بلکه زبان بسیار نرم و شیرین و حتی موقعیت تاریخی نیز در قبول عام آنها بی تأثیر نبوده است. اما وقتی کلیله و دمنه را بررسی کنیم مشخص می‌شود که حتی لطایف تمثیلی این گونه آثار نیز در مقبول واقع شدن آنها قطعاً بی تأثیر نبوده است. در اینجا به برخی از تفاوت‌های میان طنز و هزل و هجو

ولطیفه می پردازیم.

صورت و معنا

طنز بیانی کاملاً هنری است. صورتی است که با استفاده از بیشترین بلاغت در تشریح موقعیت متناقض اجتماعی و سیاسی و دینی سعی دارد. صورت و معنا در طنز به گونه‌ای به هم درآمیخته است که هیچ نیازی به آن احساس نمی‌شود که از هم تفکیک شود ولی در هزل و هجو کفه معنا سنگین‌تر است. اعتراض در هجو، اعتراضی مستقیم است، که معمولاً جنبهٔ خطابی و روایی دارد. استفاده از صنعت تشبیه در آن فراوان است ولی در طنز از استعاره، کنایه و ایهام بهره می‌گیرند. تشبیه صریح در هجو معمولاً به صورت استعاره‌های ذهنی در طنز بازتاب دارد. البته در لطیفه و هزل تشبیهات هنری بسیار کم دیده می‌شود.

صمیمیت

صمیمیت در هجو و لطیفه و هزل کمتر وجود دارد زیرا رنگ و بوی انتقام شخصی دارد اما طنزپرداز برای بیان انتقادات اجتماعی و سیاسی و... خویش، وقار و متانت و ادب را رعایت می‌کند.

ساختار

هجو و لطیفه و هزل طرحی مقطعی دارد که البته در جای خود بسیار ارزشمند است؛ تصویری ارائه می‌کند که یک وجه بیشتر ندارد. به همین جهت برداشت همه از آن یکسان است ولی ساختار طنز از انسجام هنری برخوردار و چند لایه است. جنبه‌های فردی و اجتماعی

جنبه اجتماعی هجو قوی است به همین جهت معمولاً خطابه‌گونه و مقاله‌ای است، اما طنز تلفیقی از جنبه‌های فردی و اجتماعی است.

خنده

خندهٔ صرف منحصر به هزل و لطیفه است. خنده در لطیفه متناسب با شخصیت فرد است، ولی در هجو خندهٔ انتقام است. اما خنده در طنز خنده‌ای است متین، بلکه خنده نیست، تبسم است؛ خندهٔ دردناکی است که غم بر آن مستولی است؛ طنز پشیمانی از خنده است، به علت حزن عمیقی که در ساختار آن

وجود دارد. خنده در طنز، خنده در عمق است.

مردمی بودن

هزل بسیار مردمی است زیرا مخاطب آن همه اقشار جامعه است. لطیفه مخاطبان خاصی دارد، هجو در مرتبه‌ای بعد است ولی بازم به انتقام جویی شخصی یا انتقام جویی غیر هنری که بازتابی تند و خشن دارد منتهی می‌شود. ولی طنز مخاطب خاص دارد. طنز همانند هر مینیاتور ظریف است. عوام از رنگهای شاد آن لذت می‌برند اما خواص خیلی بیشتر از اینها بدان دل می‌بندند.

تأثیر

لطیفه و هزل با خنده آغاز می‌شود و با همان خنده پایان می‌پذیرد. هجو با خنده یک طرف و غم طرف دیگر آغاز می‌شود و کمتر دوام می‌یابد. اما طنز همیشه شاداب و سرسبز است.

فولکور

هزل منحصر در فولکلور و به اصطلاح مردم دار است. زبان و بیان آن نیز یک شکل بیشتر ندارد که معمولاً ساده است. فقط گاهی با لهجه، بیان و روایت می‌شود اما هجو و لطیفه با بیان گاه هنری خود سعی در تخلیه وجود مردمان زیر سلطه جور و ستم دارد.

طنز از باورهای مثبت مردمی استفاده می‌کند و به وسیله آن به شخصیت پروری و ساختار خود قوام می‌بخشد.

زبان

اگر طنز را به زبانی محدود کنیم باید آن را منحصر به زبان بشری بدانیم یعنی در میان تمام ملل و نحل ساری و جاری است.

شخصیت

شخصیت پروری و یا کلیت اثر در طنز بسار پیچیده است، اما شخصیتها یا افراد و یا اجتماع در لطیفه و هزل و هجو تا حدود زیادی یکجانبه و از عمق کمتری برخوردارند.

نجات و انصاف

طنز از جهت نجابت و متانت به علت هنری بودن و پختگی، کلامی بسیار متین و عادلانه است. طنز اگر اعتراض و یا انتقاد و حتی اگر ناسزا باشد آن را به شایسته‌ترین وجه که همان بیان هنری است عنوان می‌کند. طنز با نوعی شرم و تملک نفس توأم است، در حالی که هزل دریده است و خودداری نمی‌شناسد. روش بیان در لطیفه گاهی از حدود لازم تجاوز می‌کند و به مضحکه نزدیک می‌شود و از سوی دیگر به علت کوتاهی لطیفه، کمتر مجالی برای جولان هنرمندیهای بیانی در آن وجود دارد.

عنوان مقاله : طرحی از تاریخ طنز ایرانی

نویسنده : احمد عزتی پرور

مآخذ : مجله آموزش زبان و ادبیات فارسی (رشد)، س پانزدهم، ش ۵۶،

(زمستان ۷۹)، ص ۲۳ تا ۳۱

ادبیات فارسی، قطعاً عنصر اساسی فرهنگ ایرانی به شمار می‌رود و چنان گسترده است که تقریباً تمام خصوصیات رفتاری و فکری ملت ایران را در خود جای داده است. یکی از ویژگیهای قوم ایرانی، شوخ طبعی و طنزپردازی آنهاست. می‌توان طنزپردازی را در آثار بزرگانی همچون حافظ و یا در دوره معاصر در آثار دهخدا مشاهده کرد. به طور کلی طنز به معنای روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویر هجوآمیزی از جهات منفی زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی به صورتی اغراق‌آمیز سخن می‌گوید و مبنای آن بر شوخی و خنده است. اما خنده‌ای از روی تلخی و دردناکی همراه با سرزنش و سرکوفت، که با ایجاد ترس و بیم، خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد.

قالب‌های طنز

در ادب فارسی طنز در هر قالبی می‌تواند ارائه شود که به بعضی از آنها

می‌پردازیم:

۱- شعر: در اشعار شاعران بزرگ مانند رودکی، فردوسی، انوری، سنایی، عطار،

مولوی، جامی، صائب تبریزی، نیما، فروغ فرخزاد و اخوان ثالث طنزهای لطیف و ظریفی دیده می‌شود. به طور کلی قالب شعر بیش از نثر برای بیان طنز به کار رفته است.

۲- نثر: عبید زاکانی برای نخستین بار طنز را به صورتی گسترده و منسجم بنیاد می‌گذارد و برای این کار از نثر سود می‌جوید و ضمن حکایات کوتاه، طنز خود را بیان می‌کند.

جامی، بسحاق اطعمه، محمود نظام قاری رساله‌هایی طنزآمیز نوشته‌اند. در قرن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم نثر بیش از شعر در خدمت طنز می‌آید و کشکول شیخ بهایی و... گواه این مطلب است. در قرن ۱۴ با ظهور مشروطیت، نثر کاملاً تثبیت می‌شود و همراه شعر در خدمت انقلاب قرار می‌گیرد.

۳- داستان کوتاه و رمان: با جمالزاده قالب داستان کوتاه و رمان، بار طنز را به دوش می‌کشد. صادق هدایت، صادق چوبک، جلال آل احمد، بهرام صادقی، جمال میرصادقی و محمود دولت‌آبادی و دیگران از طنز در داستانهای کوتاه و رمان استفاده کرده‌اند. البته کسانی هم چون توللی می‌کوشند تا به شیوه گلستان و بهارستان طنزنویسی کنند که حاصل آن کتابی مانند التفصیل است.

۴- قطعات کوتاه و فکاهی در روزنامه توفیق توسط نویسندگانی مثل ابوالقاسم حالت و نجف دریابندری و دیگران دیده می‌شود که البته حساب جداگانه‌ای دارند و باید مستقلاً بدان پرداخت.

۵- نمایشنامه: از قالب نمایشنامه برای ارائه طنز بسیار استفاده شده است. قدیمترین نمایشنامه اثر میرزا فتحعلی آخوندزاده و مهمترین نمایشنامه طنز ایرانی «جعفرخان از فرنگ برگشته» نوشته حسن مقدم است. بعدها غلامحسین ساعدی نیز از طنزی تلخ و سیاه سود جست.

زبان طنز

زبان طنز از پوشیدگی و اعتدال به سوی صراحت و دریدگی و باز دوباره بازگشت به پوشیدگی و استعاره‌گونگی و رمزگرایی حرکت می‌کند. زبان طنز اغلب متین و عقیف است مثل طنزهای فردوسی و عطار و حافظ و در دوران معاصر مانند

دهخدا، نسیم شمال، عشقی و عارف ولی ایرج میرزا استثناست که در طنز خود از کلمات رکیک استفاده می‌کند.

انواع طنز از نظر مضامین

۱- طنز فردی که بیشتر به صورت هجو نمایان شده است اما گاهی هم درباره مشکلات و دشواریهای شخصی شاعر و یا نویسنده و یا افراد دیگر است.

۲- طنز خصوصی: اغلب حالت هزل دارد و غرض از آنها التذاد نفسانی و تحریک جنسی است.

۳- طنز فلسفی: اغلب رباعیات خیام، مصیبت نامه عطار و بعضی از ابیات حافظ رنگ طنز فلسفی دارد.

۴- طنز عرفانی: در اسرارالتوحید محمد بن منور، آثار عطار، مولوی، سعدی و حافظ نظایر و نمونه‌های فراوانی دارد.

۵- طنز اجتماعی: این نوع طنز ارزش بیشتری دارد به طوری که برخی از افراد، طنز را در آن منحصر کرده‌اند. این نوع طنز با انوری و عطار شکل می‌گیرد و با حافظ و عبید زاکانی به اوج می‌رسد و با دهخدا پختگی کامل می‌یابد.

۶- طنز سیاسی: این نوع طنز هم ارزش خاصی دارد و در گذشته اغلب از زبان دلقکها و دیوانه نمایان امثال بهلول بیان می‌شده است. حافظ و عبید طنزهای سیاسی دارند. در دوران ما طنز سیاسی، حالتی کاملاً نمادین یافته است و به صورت پوشیده و رمزی بیان می‌شود؛ مانند: «ای مرز پرگهر» از فروغ، «دایی جان ناپلئون» از ایرج پزشکزاد.

۷- طنز خانوادگی: نوعی جدید است که بر اثر توسعه شهرنشینی پدید آمده است. در اینجا به بررسی جایگاه طنز و طنزپردازی در قبل از مشروطه و بعد از آن می‌پردازیم:

از آنجا که قبل از مشروطه، طنز نویسی نوع خاصی در ادب فارسی به شمار نمی‌رفت و مطالب طنز در لابه‌لای مطالب دیگر به منظور القای مقاصد شخصی و یا مفاهیم اخلاقی و عرفانی به کار می‌رفت، برای طنز پردازان گذشته جایگاه خاصی نمی‌توان قائل شد. اما طنز پس از مشروطه با چرند و پرنید دهخدا، به